

■فریده موسوی

چند وقت پیش مطلبی به خصوص شهید بهمن مهدی پور منتشر کر دیم. این شهید بزرگوار برادری به نام بهمن داشت که چند سال بعد، او نیز در جبهه‌های دفاع مقدس به شهادت رسید.

این بار سراغ بهرام مهدی پور، برادر شهیدان رقتیم تا در گفت‌وگو با وی، فرازی از زندگی شهید بهمن مهدی پور را تقدیم حضور تان کنیم.

برادر شهید می‌گفت: پس از شهادت صادق، پدرمان کنار مزار او، قبری خالی برای خودش نگه داشت؛ قبری برای خودش که قسمت بهمن شد. روایت‌های این برادر شهید را پیش رو دار بد.

■برادر دوقلو

بهمن یک سال از من کوچک‌تر بود، من متولد ۴۵ ه‍.شتم و او متولد ۴۶ بود. به خاطر فاصله سنی کمی که داشتیم همه فکر می‌کردند دوقلو هستیم. از نظر عاطفی خیلی به هم نزدیک بودیم. بهمن بچه آرامی بود و از کودکی نشان می‌داد که چه آینده‌ای در پیش دارد.

موقع نوجوانی‌های‌مان مصادف با انقلاب شد. شهید بعد از پیروزی انقلاب، جذب بسیج شد و مسیر زندگی‌اش تغییر کرد. کمتر در خانه پیدا می‌شد و اغلب در مسجد و بسیج فعالیت می‌کرد. راهی که شروع کرده بود تا شهادت ادامه پیدا کرد.

■معاف از خدمت

بعد از شهادت صادق، طبق قانون یکی از برادرانش معاف می‌شد. چون من به عضویت سپاه درآمده بودم، معافیت از خدمت نصیب بهمن شد.

می‌توانست به خدمت سربازی نرود، از طرفی

## ۱۲بروار

■آرمان شریف

سالی که در حال گذراندن آخرین روزهایش هستیم، اتفاقات زیادی به خود دید. برخی از این اتفاقات غمی به‌سزگ در دل‌مان نشاند و غصه‌دارمان کرد. شهادت ناجوانمر دانه و مظلومانه سردار قاسم سلیمانی یکی از همان اتفاقاتی بود که دل همه ایرانیان را لرزاند و عزاداران کرد. باور رفتن حاج‌قاسم برای مردم ایران بسیار سخت بود و خیلی‌ها شهادت سردار بزرگ‌شان را باور نمی‌کردند. آنها که عاشقانه و از صمیم قلب حاج‌قاسم را دوست داشتند در روز تشییع پیکرش سنگ تمام گذاشتند و با حضورشان وحدت و بزرگی ایرانیان را نشان دادند.

اگر بخواهیم برای سال ۱۳۹۸ یک چهره انتخاب کنیم، آن چهره کسی جز حاج‌قاسم سلیمانی نخواهد بود؛ مردی که مردم در خلال جنگ با تروریست‌ها در سسوریه با دل‌آوری‌ها و شجاعتش آشنا شدند و فهمیدند وجود مردانی چون سردار سلیمانی چه نعمت بزرگی برای امنیت کشورمان است. اگر حاج‌قاسم و رزمندگان مدافع حرم نبودند، تروریست‌ها در برنامه‌هایشان به دنبال تهاجم به ایران بودند و با نزدیک شدن به مرزهای کشورمان فکرهای شومی در سر داشتند. حاج‌قاسم و نیروهایش با شجاعت تمام، کاری کردند تا تروریست‌های وهابی و تکفیری این فکرهای شوم را با خود به گور ببرند و فکر هر گونه تجاوز و تهاجم را از

## ۱۴جدول

|    | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|
| ۱  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۲  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۳  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۴  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۵  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۶  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۷  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۸  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۹  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۱۰ |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۱۱ |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۱۲ |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۱۳ |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۱۴ |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۱۵ |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید بهمن مهدی‌پور

# مزار باباقسمت بهمن شد



می‌خواند. احترام به والدین نکت‌های بود که به نظر من، بهمن را تا شهادت بالا برد. چشم پاک بود و رفتار حسنه‌اش باعث می‌شد مورد توجه همه باشد. همیشه عاشق جبهه رفتن و حضور در مناطق عملیاتی بود، ولی این شوق بعد از شهادت صادق دوچندان شد.

دیگر بهمن آن آدم سابق نبود. بار آخر جبهه رفتنش فرق داشت، گفتیم نرو تو را از خدمت معاف کردند چون می‌داند برای خانواده شهید

برای سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی که زمستان امسال مظلومانه به شهادت رسید

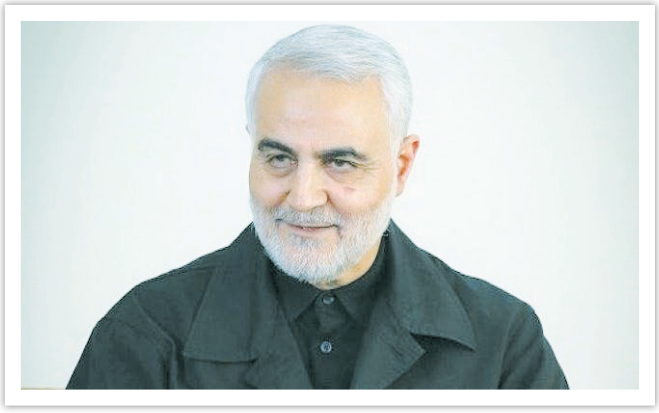
## تا ابد قدردان مجاهدت‌هایش هستیم

سرخان بیرون کنند.

برای عموم مردم پاسداری‌های حاج‌قاسم از زمان نبرد با تروریست‌ها بیشتر مشخص شد، ولی آنها که اهل جبهه و جنگ هستند نقش مهم این فرمانده دلیر را در جریان عملیات‌های مختلف به یاد دارند. فرمانده لشکر ۴۱فارانالله(ع) به همراه نیروهایش در عملیات‌های مهم و سرنوشت‌ساز زیادی حضور داشت و عملکرد درخشانش عامل مهمی در موفقیت رزمندگان بود. هنوز بسیاری از رزمندگان شجاعت حاج‌قاسم در عملیات بزرگ کر بلا۵ را به یاد دارند و می‌دانند نیروهای لشکر در عملیات‌های بدر و خیبر چه



شهیدسلیمانی قهرمان بزرگ‌ملت‌ایران است؛ قهرمانی که به‌دور از عنوان واسم و رسم، در گمنامی کارش را می‌کرد و به چیزی جز امنیت ایران فکر نمی‌کرد. حاج‌قاسم یک مرد بزرگ با آرمان‌های متعالی بود. همواره لبخندی بر لب داشت و با مهربانی با نیروهایش برخورد می‌کرد. در سخت‌ترین شرایط مهربانی داشت و چشم‌هایش محو نمی‌شد



و گروه‌های سیاسی بود. او تنها به حفظ وحدت و قدرت ایران فکر می‌کرد و هدفش سربلندی کشور بود. سردار سلیمانی به هیچ گروه و جناحی دلبستگی نداشت و قلیش فقط برای این آب و خاک می‌تپید. سربازی بود که برای ایران از تمام زندگی‌اش گذشته بود و جهاد و همواره لبخندی بر لب داشت و با مهربانی

با نیروهایش برخورد می‌کرد. در سخت‌ترین شرایط مهربانی از چهره و چشم‌هایش محو نمی‌شد. نیروهایش به وجود فرماندهی چون سردار سلیمانی عشق می‌ورزیدند و وجودشان قوت قلب همه بود. حاج‌قاسم در زمان حیات از کار سیاسی و جناحی دوری کرد و وجودش عامل اتحاد مردم

کشورمان وداع کنند. امسال را با یاد و نام شهید حاج‌قاسم سلیمانی به پایان می‌رسانیم تا فراموش نکیم ایشان و شهدای مدافع حرم در طول این سال‌ها چه جانفشانی‌هایی برای ایران کردند. در روزهایی که ما با راحتی و آسودگی روزگار می‌گذرانیم و بدون اینکه چیزی متوجه شویم، آنها در سخت‌ترین شرایط با دشمن می‌جنگیدند و اجازه نمی‌دادند آرامش زندگی‌مان به‌هم بخورد. نام حاج‌قاسم تا همیشه در قلب‌هایمان زنده خواهد بود و تا ابد قدردان مجاهدت‌های این فرمانده شجاع و خوشرو خواهیم بود.

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره۵۸۹۳

### از راست به چپ

■ ۱- مکتب عقل‌گرایی در فلسفه غرب- سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی ■ ۲- مراسم و آیین‌ها- از کاخ‌های معروف فرانسه- قسمت بالای جمجمه ■ ۳- عالم و حکیم- کاپیتان سابق رئال مادرید ■ ۴- حرف انتخاب- به معنی زیر- نوعی حرکت بین راه رفتن و دویدن ■ ۵- رود مرزی- پایه و اساس- نوعی هواپیما- حرف همراهی عرب ■ ۶- سبب زمینی سرشار از آن است- وسیله جابه جایی مایعات- دوش و کتف ■ ۷- رنگ- در خور و شایسته- آلاله ■ ۸- دستور- جنگ افزاری شبیه شمشیر- نگهبان کودک ■ ۹- وسیله تشخیص زاویه نود درجه- مکر و تزویر- خرس آذری ■ ۱۰- تنه درخت- بوی خوش- رقابت ورزشی ■ ۱۱- نیا- بنایی که سقف آن برآمده و گرد باشد- شبیه-نظیر- شک ■ ۱۲- دیکتاتور سابق مصر- گودال ■ ۱۳- بیان کردن- غذای ایتالیایی ■ ۱۴- مقصود و هدف- دروغ آذری- مخترع پیل الکتریکی ■ ۱۵- عددی یک رقمی- کنایه از گریه کردن

### از بالا به پایین

■ ۱- گیاه دارویی معروف که در ده‌های مفاصل را برطرف و اشتها را زیاد می‌کند- از مکان‌های دیدنی و تفریحی همدان با دو کتیبه معروف ■ ۲- اسم آذری- کمانگیر معروف- جنگ و نبرد- مظهر سفیدی ■ ۳- خوک- با تجربه و کهنسال- آینه ■ ۴- خراب و دورانداختنی- گل محمدی- نوعی ماهی ■ ۵- دومین شاخه بزرگ از سلسله‌جانوران هستند- شریک ■ ۶- نوعی نوشیدنی- اسبی که رنگش سرخ مایل به سیاهی باشد- تیر پیکاندار ■ ۷- از پسران کتیباد- کیسه پول- پرنده جاسوس ■ ۸- فصیح و زبان آور- نام سلطان محمود خدابنده- میوه تلفنی ■ ۹- قوه حافظه- حرکتی در ژیمناستیک- آلات ■ ۱۰- آخرین نت- جاده قطار- تخم مرغ گیلانی‌ها ■ ۱۱- رگ‌های بازو- اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا ■ ۱۲- دارنده و صاحب- ماده صابون سازی- زینت و آرایش ■ ۱۳- بلایا- قطر دهانه تفنگ- عدد سوره قدر ■ ۱۴- کشتی رزم‌منده- گریه و زاری- ولسی- عید ویتنامی‌ها ■ ۱۵- مرگ ناگهانی- از شهرهای خراسان جنوبی



ارتباط با ما۸۸۴۹۸۴۸۲

### یادمان

### روایتی از عطر لباس شهید سجاد عباس زاده

نرگس انصاری

ظاهر بود و کم‌کم آماده می‌شدیم تا ناهار بخوریم، باید انبار را از همه وسایل تخلیه می‌کردیم. گاهی هوا آفتابی و گاهی ابری بود و باد خنکی می‌وزید. یک عالمه کوله پشتی، ماسک شیمیایی، یک فانسقه، لباس بسیجی و... روی زمین بود تا دونه‌دونه توی گونیشان بکنیم و بیندازیمشان پشت وانت نیشان.

■ ■ ■

حاج‌محمد خسته بود، تند و تند وسایل را از آن بالا پرت می‌کرد، همین‌طور که داشت کوله‌ها را پایین می‌انداخت یک پلاستیک بزرگ مشکی رنگ را هم انداخت سمت من. من آلرژی فصلی داشتم، توی این انبار هوا خفه بود و چهار نفر در یک محیط کوچک ایستاده بودیم، هر چند پنجره‌ها باز بود اما چشم‌هایم می‌سوخت و عطسه‌شم پشت سر عطسه. گرد و خاک هم از این وسایل قدیمی زمان جنگ بلند شده بود. به حاج‌محمد گفتم تا امشب از این همه گرد و خاک مرده‌ایم

دیگر. دستکش دستم کردم و آرام لباس‌هایش را انداختم توی کیسه سیاه، این همان لباس‌هایی بود که موقع انفجار تنش بود و همان جا بچه‌ها سریع از تنش درمی‌آوردند. دوستم، احدی‌نژاد داشت نگامان می‌کرد اما چیزی نمی‌گفت. پلاستیک را ادادم دستش و گفتم بگذار وانت نیشان. پلاستیک را گرفت و دو سه قدم برداشت و در پلاستیک را باز کرد و دست کرد داخلش!

گفتم چه کار می‌کنی، لباس‌های شهید، اما تو چهی نکرد و سرش را کمی برد داخل پلاستیک، من هم بی خیال شدم و رفتم توی انبار.

یک گونی را پر کردم از فانسقه و جلیقه خشاب و بردم دم ماشین که احدی‌نژاد آنجا بود. احساس کردم این آن احدی‌نژاد چند دقیقه قبل نیست، به جای اینکه بالای ماشین بماند و بقیه گونی‌ها را از دستمان بگیرد، نشسته بود گوشه‌ای. نگذاشت من چیزی بگویم و گفتم: من تا به امروز باور نمی‌کردم لباس‌های شهید بوی عطر بدهد، فکر می‌کردم اینها را الکی بگویند، بین آقای امیدنژاد این لباس‌ها چه بوی خوبی می‌دهند.

گفتم: بوی عطر چیست؟ گفت: لباس‌ها را بو کردم، چنان بوی عطری می‌دهند که نگو. گفتم حالا کجا گذاشتی‌اش؟ بیاور ببینم. پیش خودم گفتم مگر می‌شود! احدی‌نژاد رفت و از داخل وانت نیشان پلاستیک را آورد، حالا خودم عجولانه می‌خواستم در پلاستیک را باز کنم تا ببینم درست می‌گویند یا نه! تند از دستش گرفتم و درش را باز کردم، سرم را کمی بردم داخل پلاستیک، با اینکه آلرژی داشتم و گاهی بوها را متوجه نمی‌شدم، اما حالا چه بوی خوب و دلنشینی... پلاستیک را دست گرفتم و بردم پایین، گفتم حاجی بیا ببین لباس‌های شهید سجاد چه بویی می‌دهد، احدی‌نژاد گفت، ولی من باور نکردم. او هم کمی تعجب کرده بود، باز هم گفتم شاید من خیالاتی شدم اما وقتی حاج‌محمد سرش را بالا آورد و تأیید کرد، دیگر باورم شد، دوباره خودم بو کردم، عجب بوی خوبی دارد. از سال ۹۱ تا امروز در یک انبار درسته خشک و زیر آن همه تجهیزات قدیمی، لباس‌ها صلا کپنه نشده بودند.

راوی:امیرامیدنژاد ۹۸/۱/۲۷



با دست فانسقه را بلند کردم به یکباره حاج‌محمد یک کاغذ کوچک رنگش کمی عوض شد و کاغذ را خواند، رویش نوشته بود وسایل شهید سجاد عباس زاده. خودم وارفتم، سجاد عباس زاده دوستمان بود که در جریان یک مانور در آذر ۹۱ در کوه‌های اطراف خرم‌آباد به دلیل نقص مواد انفجاری کار گذاشته شده، به شهادت رسید

### جدول سودوکو

ارقام۹۱تا۹۱طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کارورند.

## جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره۵۸۹۲

|  |  |  |   |  |   |   |   |   |   |
|--|--|--|---|--|---|---|---|---|---|
|  |  |  | ۳ |  | ۵ |   |   |   |   |
|  |  |  | ۲ |  | ۶ |   |   |   | ۱ |
|  |  |  |   |  |   |   |   | ۷ | ۸ |
|  |  |  |   |  |   |   |   |   | ۹ |
|  |  |  | ۳ |  | ۵ |   |   |   |   |
|  |  |  | ۸ |  |   |   |   |   | ۵ |
|  |  |  | ۶ |  | ۴ |   | ۹ |   |   |
|  |  |  |   |  |   |   |   | ۲ |   |
|  |  |  |   |  |   |   |   | ۴ | ۱ |
|  |  |  | ۶ |  |   | ۸ |   |   | ۵ |

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |     |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|-----|
| ۷ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶   |
| ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵   |
| ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳   |
| ۳ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶</ |